

گونه‌شناسی و گاهنگاری سلادن‌های به‌دست آمده از بررسی باستان‌شناختی دشت سیرجان

زینب افزلی^I، مژگان خان مرادی^{II}، حسن کریمیان^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2020.21820.2152

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۶۶-۱۷۳

چکیده

I. دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
z.afzali1@ut.ac.ir
II. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
III. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سلادن یکی از گونه‌های سفالی ارزشمند دوران اسلامی است که از قرن سوم تا قرن یازدهم هجری قمری از چین به ایران وارد شد و به دلیل استقبال از آن، از قرن ۸ هـ.ق. به بعد در مراکز همانند کرمان، سلطانیه و اصفهان تولید می‌شده است. این گونه سفالی طی کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی از محوطه‌هایی واقع در کرانه‌ها و سواحل خلیج فارس و حتی مناطق داخلی فلات ایران به‌دست آمده است. دشت سیرجان در جنوب شرقی ایران، از جمله مناطقی است که طی بررسی سطحی باستان‌شناختی در سال ۱۳۹۷، سلادن‌های متنوعی از سطح محوطه‌های آن جمع‌آوری شد. پرسش‌های مطرح در این پژوهش عبارتند از: ویژگی‌های فنی سلادن‌های مکشوف از دشت سیرجان چیست؟ این گونه سفالی به کدام دوره یا دوران اسلامی تعلق دارند؟ همه سلادن‌ها وارداتی از چین هستند یا می‌توان نشانه‌هایی از وجود تولید محلی در آن‌ها یافت؟ کدام یک از گونه‌های سلادن در این مجموعه قابل شناسایی است؟ هدف از این پژوهش معرفی و بررسی سلادن‌های مکشوفه از دشت سیرجان به لحاظ گاهنگاری و گونه‌شناسی (نوع و تکنیک تزئین، تکنیک و کیفیت ساخت، فرم ظروف، خمیره و آمیزه) است. پژوهش به صورت میدانی و کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی به انجام رسید. نتایج حاصل از مطالعه و مقایسه تطبیقی مجموعه مورد مطالعه نشان داد که سلادن‌های موضوع تحقیق را می‌توان به لحاظ گونه‌شناسی در شش گونه: یوئه، لانگ چوان، دوسون، مارتابان، جینگ‌دژن و گوانگ‌دونگ دسته‌بندی نمود؛ هم‌چنین مشخص گردید که این اشیاء در بازه زمانی قرن سوم هجری قمری تا دوره صفوی از کشور چین و به احتمال زیاد از طریق سواحل جنوبی خلیج فارس به این منطقه وارد شده است. از تعداد ۱۰۸ قطعه سلادن مورد پژوهش، دو قطعه متعلق به دوره صفوی بوده و تولید محلی هستند؛ هم‌چنین سلادن‌های مورد مطالعه با سلادن‌های به‌دست آمده از محوطه‌های مهربوبان، شهر حریره کیش، منطقه هرموز قدیم، شهر کهن جیرفت، بافت تاریخی یزد، بندر بتانه (نجیرم)، فیروزآباد فارس، عسکر مکر، مجموعه سفال‌های ویلیامسون، جلفار و رأس‌الخیمه کاملاً قابل مقایسه هستند.

کلیدواژگان: سلادن، گونه‌شناسی، سیرجان، چین، دوران اسلامی.

مقدمه

«سلادن» به‌گونه‌ای از ظروف چینی اطلاق می‌شود که دارای خمیره‌سنگی و لعابی با رنگ سبز است (Deng, 2011: 49). این نوع چینی، دارای پخت بالا و لعابی فلدسپاتی است که به دلیل وجود آهن در خمیره ظرف یا لعاب آن حین پخت به رنگ‌های سبز، سبز آبی و سبز خاکستری تبدیل می‌شود؛ در برخی مواقع به دلیل اکسیداسیون رنگ لعاب به قهوه‌ای و خاکستری روشن نیز تغییر می‌کند (Garner, 1959: 362). سابقه تولید سلادن در چین به ۳۵۰۰ سال ق. م. می‌رسد. در واقع سلادن‌های اولیه در چین جنوبی و در ایالت چگینگ ساخته شدند (Tregear, 1987: 5). ظروف مرغوب سلادن نه‌تنها در چین مورد اقبال قرار گرفت، بلکه از قرن ۳ ه. ق. به بعد نیز از طریق جنوب چین مانند نینگ‌بو و از راه دریایی به خاورمیانه و شرق آفریقا صادر شد و گونه یوئه که جزو اولین گونه‌های صادراتی سلادن است، به طور انبوه از سرزمین‌های هم‌چون: کره، ژاپن، فیلیپین، ایران، عراق و مصر کشف شده است (Yun, 2005: 40). در واقع طی هشت قرن، گونه‌های متعددی از این نوع سفال به ایران وارد می‌شوند که هر یک در دوره‌ای رواج می‌یابد و سپس گونه دیگری جایگزین آن می‌گردد؛ البته در مواردی نیز چند گونه به موازات هم به ایران وارد می‌شود و استفاده از آن‌ها رونق می‌یابد. از این رو، در بررسی منحنی واردات سلادن به ایران می‌توان جنبه‌هایی از استمرار صنعتی و فرهنگی را در روابط میان ایران و چین شناسایی و بازسازی نمود (فیضی و مهجور، ۱۳۹۳: ۱۴۱-۱۴۰). در کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی صورت‌گرفته در محوطه‌های ایران، قطعات سلادن از محوطه‌های مختلفی به دست آمده که بیانگر گسترش واردات گونه سلادن به ایران در طی قرون متمادی است. سفال یوئه در قرن ۳ ه. ق. از طریق تجارت دریایی در حجم انبوهی به مناطقی از جمله سیراف وارد شده و تا قرن ۶ ه. ق. در مناطق ساحلی و داخلی ایران صادرات آن تداوم داشته است. پس از قرن ۶ ه. ق. سلادن‌های یوئه از مناطق ساحلی و داخلی ایران ناپدید و سلادن‌های گونه لانگ‌چوان جایگزین آن می‌شود (همان: ۱۳۹). در واقع، گونه لانگ‌چوان از دوره سونگ شمالی تا دوره مینگ نقش مهمی در تجارت بین‌المللی سفالینه‌های چینی داشته است و در اواخر قرن ۹ ه. ق. صادرات آن به پایان رسید (Valenstein, 1989: 88; Zhang, 2018: 99). به دلیل آن‌که سلادن‌های چینی در سرزمین‌های اسلامی و از جمله ایران، خواهان بسیاری داشتند، در اواخر دوره ایلخانی و اوایل دوره تیموری سفالگران ایرانی به تقلید از این سفال‌ها پرداختند و ظروفی همانند کاسه‌های پایه‌دار و بشقاب‌های بزرگ از روی نمونه‌های چینی الگوبرداری شد (Fehervari, 2000: 276). در بندرعباس، اصفهان و سلطانیه، نمونه‌هایی از سلادن کشف شده و احتمالاً این شهرها از مراکز تولید این نوع سفال بوده‌اند. محققان بر این عقیده‌اند که سلادن در کرمان نیز تولید می‌شده است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۶۶).

دشت سیرجان، به مرکزیت شهر سیرجان، در جنوب شرقی ایران و در استان کرمان قرار دارد. این شهر از دوره ساسانی تا دوره آل بویه، مرکز ایالت کرمان و دارای اهمیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خاصی بوده، به دلیل موقعیت جغرافیایی

و استراتژیک، همواره نقش خود را به‌عنوان یکی از مراکز مهم اقتصادی و تجاری جنوب ایران حفظ نموده است؛ اگر چه سیرجان در دوره سلجوقی دیگر مرکز ایالت کرمان نبود، ولی باز جزو شهرهای مهم این ایالت محسوب می‌شده است (بارتولد، ۱۳۷۲: ۱۶۲). عیناً به دلیل همین اهمیت بود که با مجوز سازمان میراث فرهنگی کشور بررسی سطحی فشرده پیمایشی آن در اولویت پژوهشی قرار گرفت^۱ و در نتیجه حجم انبوهی از یافته‌های منقول فرهنگی جمع‌آوری گردید. در مجموع ۱۰۸ قطعه سلادن از سطح سه محوطه شهر قدیم سیرجان، قلعه سنگ و باغ‌بمید به‌دست آمد که به لحاظ گونه‌شناسی از تنوع خوبی برخوردار بودند. تنوع گونه‌های سلادن به‌دست آمده، نگارندگان را بر آن داشت تا در پژوهشی مستقل به دسته‌بندی و گونه‌شناسی آن‌ها اقدام و ضمن مقایسه و گاهنگاری نتایج مطالعات خویش را در نوشتار حاضر ارائه نمایند. هدف از این پژوهش، معرفی و بررسی سلادن‌های مکشوف از محوطه‌های یاد شده به لحاظ گاهنگاری، گونه‌شناسی و بررسی نوع و تکنیک تزئین، تکنیک و کیفیت ساخت، فرم ظروف، خمیره و آمیزه است.

پرسش‌های پژوهش: پژوهش حاضر در پی پاسخ به چند پرسش است که سلادن‌های به‌دست آمده از بررسی دشت سیرجان مربوط به کدام دوره اسلامی است؟ ویژگی‌های فنی این سلادن‌ها چیست؟ کدام گونه‌ها و قطعات سلادن وارداتی از چین هستند یا می‌توان نشانه‌هایی از تولید محلی سفال را در مجموعه مورد پژوهش مشاهده نمود؟ کدام یک از گونه‌های سلادن در مجموعه مورد مطالعه قابل شناسایی است؟

روش پژوهش: در انجام این پژوهش، ابتدا به‌منظور آگاهی از ویژگی‌های گونه‌های مختلف سلادن و پراکنش جغرافیایی آن در جهت تسهیل مقایسه با نمونه‌های مکشوف از منابع مکتوب استفاده شد. سپس، نمونه‌های سلادن حاصل از بررسی باستان‌شناختی نگارندگان در دشت سیرجان بر مبنای خصوصیات فنی، تزئینی و شکل آن‌ها مورد مطالعه و گونه‌شناسی قرار گرفت. آنگاه با رویکردی توصیفی-تحلیلی، یافته‌های پژوهش به‌منظور گاهنگاری و گونه‌شناسی دقیق‌تر با یافته‌های مشابه در محوطه‌های داخل و خارج از ایران مقایسه گردید. از آنجا که کامل‌ترین کار در تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های جنوب ایران توسط «پریسمن» (Priestman, 2013; Priestman, 2005). صورت گرفته است؛ اساس تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی مجموعه مورد پژوهش نیز بر گونه‌شناسی وی و هم‌چنین گونه‌شناسی «کنت» (Kennet, 2004) در محوطه کلیدی رأس‌الخیمه استوار گردیده است. لازم به ذکر است که پژوهش از نوع بنیادی است.

پیشینه پژوهش

دشت سیرجان در جنوب شرق ایران از دوره قاجار مورد توجه سیاحان و پژوهشگران قرار گرفته است. این دشت نخستین بار توسط «گیونز» مورد بازدید قرار گرفت (گیونز، ۱۳۹۵: ۲۵۶). پس از آن، محوطه قلعه سنگ و چند اثر تاریخی در دشت سیرجان توسط «جی بنز» و «کیت آبوت» (گابریل، ۱۳۴۸: ۳۲۷)، سرپرسی «سایکس»

(سایکس، ۱۳۳۶: ۴۳۱) و «سرفراز» در سال ۱۳۴۴ ه.ش. بررسی شد (حاتمی، ۱۳۸۰: ۶۰). آنگاه «ویلیامسون» کاوش‌هایی در شهر قدیم سیرجان انجام داد (ویلیامسون، ۱۳۵۱) که با مرگ وی، گزارش کوتاهی از کاوش توسط «مورگان» و «لیتربای» منتشر گردید (Morgan & Leatherby, 1987). در سال ۱۳۵۱ ه.ش. «پرویز ورجاوند» از قلعه سنگ و سپس در سال ۱۳۵۳ ه.ش. «فهروری» و «بیوار» از دشت سیرجان بازدید کردند (ورجاوند، ۱۳۵۱؛ فهروری و بیوار، ۱۳۵۴؛ Bivar, 2000: 5). بررسی باستان‌شناختی دشت سیرجان، گمانه‌زنی و تعیین حریم شهر قدیم سیرجان در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ ه.ش. توسط «حاتمی» صورت گرفت (حاتمی، ۱۳۷۴؛ ۱۳۷۶؛ ۱۳۸۰). هم‌چنین کاوش قلعه سنگ در سال ۱۳۹۴ ه.ش. به سرپرستی «امیرحاجلو» به کشف حمامی از سده ۸ تا ۹ ه.ق. و بخشی از یک کارگاه سنگ‌تراشی منجر شد (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۵: ۱۸). در سال ۱۳۹۴ ه.ش. «ناصری‌تهرانی» در محدوده طرح خط لوله بندرعباس-سیرجان-رفسنجان به بررسی میدانی پرداخت (ناصری‌تهرانی، ۱۳۹۵) و آخرین فعالیت میدانی نیز در سال ۱۳۹۷ ه.ش. به سرپرستی نگارنده اول به انجام رسید و طی آن آثاری متعلق به دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی بررسی و شناسایی گردید (افضلی، ۱۳۹۸؛ افضلی و ابراهیمی‌ایده‌لو، ۱۳۹۸: ۱۲۶-۱۲۷؛ کریمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳-۵۴). با وجود شناسایی تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از قطعات سفالینه‌های سلاذن در پژوهش‌های میدانی محوطه‌های باستانی ایران، اکثر باستان‌شناسان تنها به معرفی و توصیف مختصر نمونه‌های مکشوف اقدام کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به سلاذن‌های مکشوف از شهر تاریخی حریره (موسوی، ۱۳۷۶: ۲۲۲-۲۲۳)، شهر یزد (کاظم‌نژنداصل، ۱۳۸۸: ۳۳۰)، خلیج نای بند، بندر بتانه (اسماعیلی‌جلودار، ۱۳۸۹)، شهر کهن جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: ۹۵)، اردشیرخوره (کریمیان و منتظرظهوری، ۱۳۹۸)، دشت شیراز (Whitcomb, 1985: 67) و... اشاره نمود. پژوهشگرانی که مطالعه سیر تحول هنر سفالگری را موضوع تحقیقات خود ساخته‌اند نیز به اختصار درباره سلاذن قلم زده‌اند که «کریمی» و «کیانی» (۱۳۶۶: ۶۵-۶۶)، «لین» (۱۹۷۱: ۱۰۵-۱۰۶)، گروه (۱۹۷۶: ۲۷۶-۲۸۱) و فهروری (۱۹۹۸: ۲۷۶-۲۷۸)، از جمله این محققان به‌شمار می‌روند؛ هم‌چنین می‌توان به پژوهش‌های «فیضی» (۱۳۹۱) و «فیضی» و «مهجور» (۱۳۹۳) اشاره نمود که تلاش کرده‌اند، سلاذن‌های مکشوف از مناطق مختلف را معرفی و به‌ویژه ورود و پراکنش گونه «یوئه» در ایران طی سده‌های اولیه اسلام را بررسی نمایند. «اسماعیلی‌جلودار» و همکارانش نیز در مقاله‌ای به معرفی سلاذن‌های بندر مهربان اقدام کرده‌اند (اسماعیلی‌جلودار و همکاران، ۱۳۹۰). «مورگان» در سال ۱۹۹۱ م. سلاذن‌های ایلخانی مکشوف از منطقه هرموز را مورد مطالعه قرار داد (Morgan, 1991). تامپو نیز در کتابی که به تجارت دریایی بین چین و شرق از طریق سفالینه‌های مکشوف از محوطه سیراف پرداخته، سلاذن‌های یوئه و لانگ‌چوان این محوطه را مطالعه کرده است (Tampeo, 1989). «ژانگ» نیز براساس سلاذن و چینی‌آبی-سفید مجموعه «ویلیامسون» به بررسی تجارت دریایی بین جنوب ایران و چین پرداخته است (Zhang, 2018).

ساختارشناسی و فرم‌شناسی سلاذن‌های مکشوف از بندر حریره، جدیدترین پژوهش درخصوص سلاذن است که توسط «امامی» و همکارانش صورت‌گرفته و با توجه به شواهد تکنیکی، مقادیر عنصری و شواهد پخت، شباهت بین سلاذن این محوطه و سلاذن چین اثبات شده است (امامی و همکاران، ۱۳۹۸).

«پریستن» در پایان‌نامه‌ی ارشد و رساله‌ی دکترای خود در خلال معرفی گونه‌های سفالین مجموعه‌ی ویلیامسون که به محوطه‌های جنوب ایران اختصاص دارد، به معرفی سلاذن‌های این مجموعه اقدام کرده است. از آنجایی‌که ویلیامسون در سیرجان نیز بررسی و کاوش انجام داده بود؛ پس از مرگ وی، سفالینه‌های مکشوف از سیرجان همانند محوطه‌های دیگر در قالب مجموعه‌ی سفالینه‌های جنوب ایران مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (Priestman, 2013; Priestman, 2005). «حاتمی» نیز در کتاب و پایان‌نامه‌ی خود صرفاً به کشف سفال‌های گونه‌ی یوئه توسط ویلیامسون در جنوب ایران اشاره کرده و احتمال داده که این گونه‌ی سفالی در سیرجان نیز تولید می‌شده و از طریق دریا به چین صادر می‌شده است (حاتمی، ۱۳۷۴: ۱۳۳) که البته این نظریه به آسانی قابل‌پذیرش نیست؛ زیرا در قرون اولیه‌ی اسلامی سلاذن در چین با کیفیت بالا تولید و به نقاط دیگر صادر می‌شده و واردکننده‌ی سلاذن نبوده است. امیرحاجلو در مقاله‌ی کوتاه چاپ شده در پانزدهمین گردهم‌آیی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران به کشف گونه‌ی سلاذن در کاوش قلعه‌سنگ اشاره کرده است (امیرحاجلو، ۱۳۹۵: ۱۷). «سهرابی‌نیا» و «تقوی» در مقاله‌ای که نیمی از آن به مطالعه‌ی سفال‌های حاصل از کاوش اختصاص دارد، به ارائه‌ی عکس و طرح ۹ قطعه سلاذن از قرن ۸ هـ.ق. و مقایسه‌ی آن‌ها با چند محوطه پرداخته‌اند (سهرابی‌نیا و تقوی، ۱۳۹۸: ۱۵۴-۱۵۷). از آنجایی‌که سلاذن‌های حاصل از بررسی باستان‌شناختی دشت سیرجان نسبت به بسیاری از محوطه‌های اسلامی در ایران از تنوع بالایی برخوردار است و هم‌چنین گونه‌شناسی سلاذن در ایران کمتر صورت‌گرفته و اغلب گونه‌های معدودی همانند: یوئه، لانگ‌چوان و دوسون، معرفی شده‌اند، ضرورت مطالعه و گونه‌شناسی سلاذن‌های این مجموعه احساس گردید.

مطالعه‌ی سلاذن‌های به‌دست آمده از دشت سیرجان

نتایج مطالعات میدانی مشخص ساخت که بیشتر محوطه‌های شناسایی شده در دشت سیرجان متعلق به دوران اسلامی هستند درمجموع، سفال‌های گردآوری شده‌ی شاخص دوران اسلامی از عرصه‌ی این محوطه‌ها به دو گروه سفال‌های لعاب‌دار و بی‌لعاب تقسیم می‌شوند. سلاذن، یکی از گونه‌های سفالی گروه لعاب‌دار است که از سه محوطه‌ی شهر قدیم سیرجان، قلعه‌سنگ و باغبمید به‌دست آمده است. محوطه‌ی شهر قدیم در سه کیلومتری شرق محوطه‌ی قلعه‌سنگ و جنوب جاده‌ی سیرجان-بافت قرار دارد. این محوطه در جهت شرقی-غربی ۱/۱ کیلومتر و در جهت شمالی جنوبی ۲ کیلومتر وسعت دارد که پراکندگی بسیار زیاد و تنوع چشمگیر قطعات سفالی مربوط به ادوار مختلف اسلامی نشان از اهمیت و توالی فرهنگی طولانی‌مدت در این شهر بزرگ بوده است (افضلی، ۱۳۹۸: ۱۷۰-۱۷۱). محوطه‌ی قلعه‌سنگ در ۹ کیلومتری

جنوب شرقی سیرجان قرار دارد که در بلندای آن بناها و استحکاماتی با استفاده از سنگ، ملاط ساروج، خشت، آجر و گل بنا شده است. پیرامون این صخره دو حصار تقریباً دایره‌ای شکل قرار دارد (ورجاوند، ۱۳۵۱: ۱۰۴-۱۰۶) و محوطه باغبمید در شمال غربی شهر کنونی سیرجان قرار دارد. این محوطه با طول ۲ کیلومتر و عرض ۱/۵ کیلومتر از محوطه‌های بزرگ دشت سیرجان به‌شمار می‌رود که بیشتر قسمت‌های آن از بین رفته است. فراوانی و تنوع داده‌های باستان‌شناختی از استقرار طولانی مدت طی دوره‌های صدر اسلام تا دوران متأخر دارد (افضلی، ۱۳۹۸: ۲۰۰-۲۰۱).

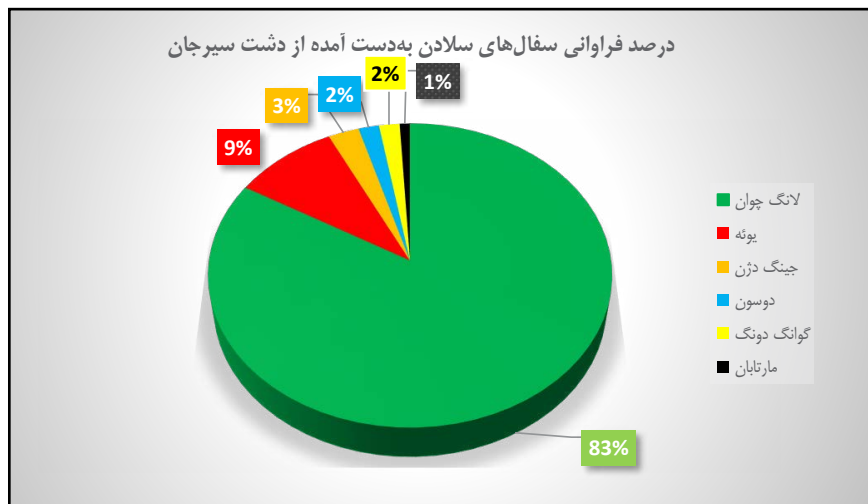
از بررسی باستان‌شناختی دشت سیرجان ۱۰۸ قطعه سفال گونه سلادن به دست آمد. از این تعداد ۱۰ قطعه سلادن به محوطه شهر قدیم، ۸۱ قطعه به محوطه قلعه سنگ و ۱۷ قطعه به محوطه باغبمید تعلق دارند. این قطعات برمبنای ویژگی‌های فنی (رنگ خمیره، رنگ لعاب، آمیزه، نوع و وضعیت پوشش)، تزئینی (نوع نقش و تکنیک ایجاد نقش) و فرم ظرف بررسی و سپس با نمونه‌های مکشوف از محوطه‌های مختلف مقایسه شدند. بر پایه این مطالعات، قطعات سلادن گونه‌شناسی و تاریخ‌گذاری شدند. باید توجه داشت که در مطالعه و گونه‌شناسی سفال‌های سلادن از مهم‌ترین عوامل رنگ خمیره، آمیزه و رنگ لعاب (سطح داخلی و بیرونی) است. بررسی قطعات فوق نشان داد که خمیره سلادن‌های سیرجان به رنگ‌های سفید، قهوه‌ای، زرد، کرم و خاکستری است. سطح داخلی و خارجی سفال‌ها را لعابی رنگین و در ۹۸٪ یک رنگ دربر گرفته که طیف رنگی وسیعی دارند. این رنگ‌ها عبارتند از: زیتونی تیره و روشن، زیتونی مایل به زرد، شیری، سفید، کرم، خاکستری، قهوه‌ای (یک مورد) و سیاه (دو مورد)؛ بیشترین میزان به رنگ زیتونی اختصاص دارد. در اکثر قریب به اتفاق قطعات رنگ لعاب سطوح داخلی و خارجی یکی است و فقط در یک قطعه سفال گونه مارتابان رنگ سطوح متفاوت است (جدول ۶: شماره ۱). برخی از قطعات دارای لعاب ترک‌خورده هستند که مورگان در هرمز نیز از وجود سلادن با لعاب ترک‌خورده خبر داده است (Morgan, 1991: 81). البته رنگ لعاب در سطح همه قطعات یک دست نیست و به دلیل درجه حرارت نامناسب، در برخی قطعات طیف مختلفی از یک رنگ، مانند سبز کم رنگ تا سبز پررنگ مشاهده می‌گردد.

سلادن‌ها همه چرخ‌ساز هستند؛ خمیره آن‌ها از نوع خمیره سنگی و ماده چسباننده را ماسه، شن نرم و کوارتز تشکیل می‌دهد. ماسه در گونه‌های یوئه، لانگ‌چوان، دوسون و مارتابان دیده می‌شود؛ هرچند درصد فراوانی آن در همه قطعات یکسان نیست. عموماً مقدار ماسه در اکثر قطعات بسیار اندک و خمیره بسیار با کیفیت و متراکم است. این در حالی است که در تعداد اندکی از قطعات گونه لانگ‌چوان مقدار ماسه مورد استفاده بیشتر و از زیرلعاب هم قابل رؤیت است. به لحاظ کیفیت ساخت بیش از ۸۵٪ سفال‌ها ظریف و ۱۵٪ دارای کیفیت متوسط هستند.

گونه‌شناسی سلادن‌های دشت سیرجان

در بررسی سلادن‌های حاصل از بررسی باستان‌شناسی دشت سیرجان، شش گونه

شاخص شناسایی شدند که عبارتند از: یوئه، دوسون، لانگ‌چوان، گوانگ‌دونگ، جینگ‌دژن و مارتابان (نمودار ۱).

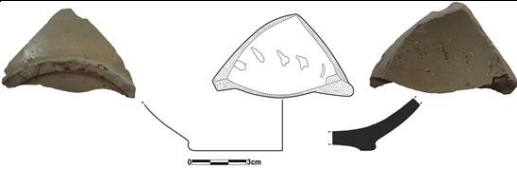
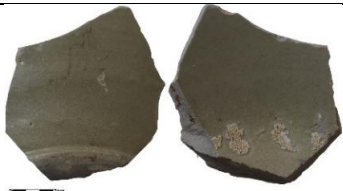



► نمودار ۱. نمودار آماری گونه‌شناسی سفال‌های سلادن وارداتی مکشوف از دشت سیرجان (نگارندگان، ۱۳۹۹).

۱- گونه یوئه: سلادن گونه یوئه (Yue) از خمیره سنگی بسیار ظریف و متراکمی برخوردار است که رنگ آن از نخودی تا خاکستری روشن و تیره متغیر است (Tampeo, 1989: 52). این سلادن دارای بدنه نازک و لعاب خاکستری مایل به سبز یا سبز-زرد، نازک و براقی است که سطح داخلی و خارجی ظرف را پوشانده است (Priestman, 2013: 661). این گونه از قرن ۳ ق.م. تا ۶ ه.ق. در منطقه یوئه در جنوب چین تولید (Li, 2010: 220) و از سده سوم هجری قمری در امتداد خلیج فارس و به ویژه سیراف مورد مبادله قرار می‌گرفت (Whitcomb, 1985: 65). قطعات گونه یوئه مکشوف از ری و نیشابور بیانگر توزیع گسترده آن از طریق راه‌های زمینی در نواحی داخلی ایران است (Milwright, 2010: 42-43). پریستمن برحسب ویژگی‌های فنی سلادن‌های یوئه، مجموعه ویلیامسون را به چهار گروه اصلی و زیر گروه‌های متعدد تقسیم کرده است؛ یوئه گروه ۱ به اوایل قرن ۳ و اواسط قرن ۳ ه.ق.، گروه ۲ به اواسط قرن ۳ ه.ق.، گروه ۳ به قرن ۳ ه.ق. و گروه ۴ به قرن ۴ ه.ق. تعلق دارند. نگارندگان با توجه به شباهت فراوان بین سلادن‌های مورد مطالعه وی و سلادن‌های سیرجان تقسیم‌بندی خود را براساس دسته‌بندی پریستمن قرار داده‌اند؛ بنابراین می‌توان با توجه به ویژگی‌های فنی و تزئینی، سلادن‌های یوئه به‌دست آمده از باغبمید و شهر قدیم سیرجان را در گروه ۳ یوئه و قرون ۳ و ۴ ه.ق. جای داد. از جمله نمونه‌های مورد مطالعه، کف حلقوی یک کاسه است که روی سطح داخلی و خارجی آن لعاب خاکستری مایل به سبز وجود دارد. خمیره از نوع خمیره سنگی با کیفیت و متراکمی است. در داخل ظرف، دورتادور حلقه کف نقوش کنده وجود دارد که مشابه آن در مجموعه ویلیامسون و در گروه YUE.3 (BB8) قابل مشاهده است (جدول ۱: شماره ۱)، (Priestman, 2013: 661-662. Pl. 153). از نمونه‌های شاخص دیگر، کف ظرفی است که نقوش سه‌گوشی بر روی حلقه کف ظرف ایجاد شده و مشابه آن در مجموعه ویلیامسون و در گروه YUE.3 (BB4A) وجود دارد (جدول ۱، شماره ۲)، (Ibid: Pl.)

(151)؛ هم‌چنین قطعه‌ای از یک بدنه به دلیل نوع خمیره و رنگ لعاب در گروه YUE.3 (BB6)، (جدول ۱: شماره ۳). جا دارد که وجه تمایز آن با گروه‌های دیگر رنگ پریدگی لعاب در برخی از قسمت‌ها است. ویلیامسون پیش‌تر از کشف سلادن یوئه در سیرجان (Williamson, 1987: 12) خبر داده، اما اطلاعات بیشتری در دست نیست.

جدول ۱. گونه‌شناسی سفال سلادن گونه یوئه مکشوف از دشت سیرجان (نگارندگان، ۱۳۹۹). ▼

شماره قطعه	تصویر و طرح سفال	گروه و گونه سفالی	محوطه کشف	محوطه مورد مقایسه	مآخذ
۱		YUE.3 (BB4A)	شهر قدیم	جنوب ایران بندر بنانه سیراف سیراف	Priestman, 2013: 661-663 & plate 151 توفیقیان، ۱۳۹۳: طرح ۱۰۶ Tampeo, 1989: 64 Whitehouse, 1971: PL. VIId
۲		YUE.3 (BB8)	باغبمید	جنوب ایران	Priestman, 2013: 661-662 & plate 153
۳		YUE.1 (BB6)	شهر قدیم	جنوب ایران	Priestman, 2013: 661-663 & plate 148

۲- گونه دوسون: ظروف موسوم به دوسون (Dusun Ware) به خمیره‌های بزرگ ذخیره آذوقه با لبه عمودی، بدنه پیازی شکل و کاسه‌هایی گود با بدنه مورب متمایل به بیرون اطلاق می‌شود (Hansman, 1985: 33). این سفال‌ها دارای خمیره سنگی و عمدتاً خاکستری یا نخودی‌رنگ است که گاهی در آن آمیزه شن دیده می‌شود. سطوح داخلی و خارجی خمیره‌ها با لعابی نازک، ناهموار و ترک خورده به رنگ سبز زیتونی پوشانده شده‌اند. این خمیره‌ها دارای دسته‌هایی پروانه‌ای شکل‌اند (Priestman, 2005: 304). سلادن دوسون از قرن ۵-۴ م. تا قرن ۶ ه.ق. در کوره‌های گوانگ‌دونگ (Guangdong) و فوجین (Fujian) تولید (Priestman, 2013: 647) و به مناطقی هم‌چون: بنبهور پاکستان، سُقطری یمن، سواحل شرقی آفریقا، سیراف و سیرجان صادر می‌شد (Milwright, 2010: 42). ویلیامسون از کشف این گونه در ۳۲ منطقه در سواحل خلیج فارس از بوشهر تا جیرفت و سیرجان خبر داده است (ویلیامسون، ۱۳۵۱: ۱۴۹). از محوطه شهر قدیم دو قطعه سلادن گونه دوسون شناسایی گردید. این قطعه‌ها دارای خمیره سنگی به رنگ خاکستری هستند که لعابی زیتونی رنگ، سطوح داخلی و خارجی آن‌را پوشانده و در یک قطعه دسته‌ای افقی موسوم به «دسته پروانه‌ای» به آن الحاق شده است با توجه به مقایسه‌های

صورت گرفته، این قطعه سفال قسمتی از شانهٔ خمیره‌ای است که با نمونه‌های محوطهٔ شهر کهن جیرفت (چوبک، ۱۳۸۳: ۳۴۴)، سیراف (Whitehouse, 1971: pl.) (VIIId)، محوطه‌های جنوب ایران (Priestman, 2013: 705, Pl. 135) و عسکر مکرم (عطایی، ۱۳۹۵: لوحهٔ ۳۱-۲) قابل مقایسه هستند. پریستمن گونهٔ دوسون مکشوف از محوطه‌های جنوب ایران را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرده که قطعهٔ شمارهٔ ۱ دوسون از سیرجان با توجه به فرم دسته، متعلق به دستهٔ JR3 و سده‌های ۳ تا ۵ ه.ق. است (جدول ۲: شمارهٔ ۱-۲).

جدول ۲. گونه‌شناسی سفال سلادن گونهٔ دوسون مکشوف از دشت سیرجان (نگارندگان، ۱۳۹۹). ▼

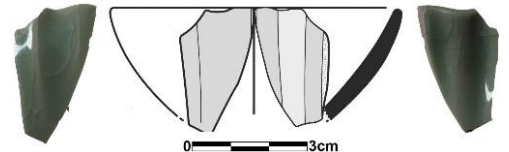
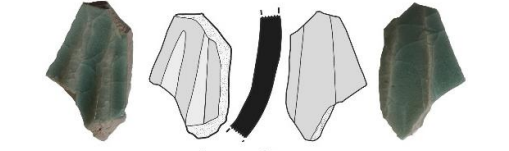
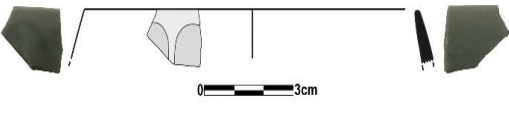

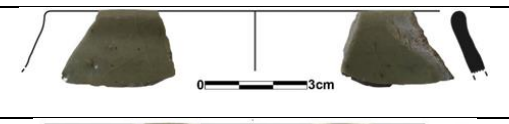
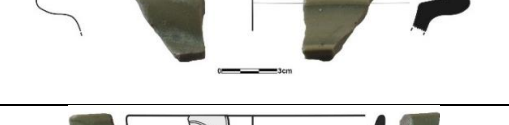
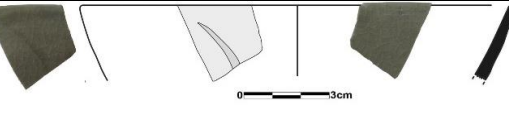
شمارهٔ قطعه	تصویر و طرح سفال	گروه و گونهٔ سفالی	محوطهٔ کشف	محوطهٔ مورد مقایسه	مآخذ
۱		DUSUN	شهر قدیم	جنوب ایران جیرفت	Priestman, 2005: 304 & plate 169 Priestman, 2013: 705, Pl. 135
۲		DUSUN	شهر قدیم	سیراف عسکر مکرم	Priestman, 2005: 304 pl. 169 عطایی، ۱۳۹۱: لوحهٔ ۳۱، شمارهٔ ۲

۳- گونهٔ لانگ چوآن: سلادن گونهٔ لانگ چوآن در جنوب غربی استان ژجیانگ (Zhejiang) چین (Valenstein, 1989: 99) و در منطقهٔ وسیعی که لانگ چوآن نیز یکی از آن‌ها بود، تولید می‌شد (Priestman, 2005: 299). از قرن ۷ تا قرن ۹ ه.ق. تجارت لانگ چوآن در جنوب ایران پُر رونق بود و قطعات سفال بیشتر در مناطقی از قبیل میناب، هرموز و جزیرهٔ کیش متمرکز بود و در یک الگوی پراکنش گسترده‌تر، سفال‌های وارداتی از چین تا مناطق داخلی جنوب ایران و فراتر از شبه جزیرهٔ بوشهر هم معامله می‌شد (Zhang, 2018: 85). این گونه دارای بدنهٔ محکم و متراکم با خمیرهٔ سنگی خالص و لعابی سبز و ضخیم است که تمام سطح داخلی و خارجی سفال غیر از پایهٔ حلقوی ظرف را می‌پوشاند. رنگ لعاب، طیف وسیعی از سبز روشن مایل به فیروزه‌ای تا سبز زیتونی تیره و روشن را دربر می‌گیرد (Priestman, 2013: 664).

سلادن‌های لانگ چوآن به‌دست آمده از محوطه‌های دشت سیرجان، ۸۸ قطعه را شامل می‌شوند که بیشترین تعداد را در بین گونه‌های سلادن به خود اختصاص داده است و غالباً به فرم کاسه، تنگ و بشقاب هستند. کاسه‌ها بسیار متنوع هستند و خود چندین فرم متنوع را شامل می‌شوند که در میحث فرم ظروف به آن‌ها پرداخته شده و دارای لبهٔ سادهٔ اندکی مایل به خارج، لبهٔ برگشته به بالا، لبه‌های دال‌بری و پایه‌های حلقوی هستند که با تکنیک کندهٔ زیرلعاب و قالبی نقوش هندسی و

برگ لوتوس در سطح داخلی و خارجی آن‌ها ایجاد شده است. پریستمن برحسب ویژگی‌های فنی (لعاب، فرم و روش‌های تزئین) سلادن‌های گونه لانگ‌چوان را به چهار گروه اصلی که هر کدام از آن‌ها به زیر گروه‌های فرعی تقسیم کرده است که براساس گونه‌شناسی و ویژگی‌های تزئینی که بین سلادن‌های مجموعه ویلیامسون و دشت سیرجان وجود داشت، نگارندگان تقسیم‌بندی این گونه سفالی را براساس دسته‌بندی پریستمن قرار داده‌اند؛ بنابراین می‌توان با توجه به ویژگی‌های فنی و تزئینی سلادن‌های گونه لانگ‌چوان به دست آمده از باغبمید و قلعه‌سنگ را در گروه‌های ۱-۴ لانگ‌چوان و سده‌های ۷-۹ ه.ق. جای داد (جدول‌های ۳، ۴، ۵).

جدول ۳. گونه‌شناسی سفال سلادن گونه لانگ‌چوان مکشوف از دشت سیرجان (نگارندگان، ۱۳۹۹). ▼

شماره قطعه	تصویر و طرح سفال	گروه و گونه سفالی	محوطه کشف	محوطه‌های مورد مقایسه	ماخذ
۱		LQC.2:04	قلعه‌سنگ	دشت میناب جنوب ایران جلفار	Morgan, 1991: 73 Zhang, 2018: Pl.4 Hansman, 1985: 37.fig7.c
۲		LQC.2:04	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 185. Pl.297
۴		LQC.1:02	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 296, Pl. 183
۵		LQC.1:03	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 297
۶		LQC.1:03	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 297
۷		LQC.1:03	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 297
۸		LQC.1:04	قلعه‌سنگ	جنوب ایران عسکر مکرم	Priestman, 2005: 296 عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۲-۳۶
۹		LQC.1:04	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 296. Pl.182

جدول ۴. گونه‌شناسی سفال سلادن گونه لانگ چوآن مکشوف از دشت سیرجان (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره قطعه	طرح و تصویر سفال	گروه و گونه سفالی	محوطه کشف	محوطه‌های قابل مقایسه	مآخذ
۱۰		LQC.2: 01	قلعه‌سنگ	جنوب ایران دشت میناب	Priestman, 2005: 295-298 Morgan, 1991: 73. Pl.183
۱۱		LQC.2:01	قلعه‌سنگ	جنوب ایران سیراف سیراف	Priestman, 2005: 295-298. Pl. 183 اسماعیلی جلودار، ۱۳۹۴: ۱۹۷ اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۹: ۳۴۱، طرح ۵
۱۲		LQC.2:07	قلعه‌سنگ	شهر یزد جنوب ایران دشت میناب سیراف	کاظم نژاداصل، ۱۳۸۸: ۳۳۳ Priestman, 2005: 297 Morgan, 1991: 75 Tampeo, 1989: 313
۱۳		LQC.2: 10	قلعه‌سنگ	جنوب ایران دشت میناب	Priestman, 2005: 298 Morgan, 1991: 73
۱۴		LQC.2: 10	قلعه‌سنگ	جنوب ایران دشت میناب	Priestman, 2005: 298 Morgan, 1991: 73
۱۵		LQC.2:11	قلعه‌سنگ	جنوب ایران رأس الخیمه جنوب ایران	Priestman, 2005: 298 Kennet, 2004: fig.18, type 116 Morgan, 1991: 74
۱۶		LQC.2:11	قلعه‌سنگ	جنوب ایران سیراف جزیره کیش	Priestman, 2005: 298 Tampeo, 1989: 313 موسوی، ۱۳۷۶: ۲۳۲
۱۷		LQC.2:15	قلعه‌سنگ	اردشیرخوره نای بند ۲	منتظر ظهوری، ۱۳۹۸: ۴۲۳ اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۹: ۲۴۱
۱۸		LQC.2:15	قلعه‌سنگ	جنوب ایران سیراف جزیره کیش	Priestman, 2005: 298. Pl. 188 Tampeo, 1989: 65 موسوی ۱۳۷۶: ۲۳۲
۱۹		LQC.2:15	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 298. Pl. 188
۲۰		LQC.2:19	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 298. Pl. 190

جدول ۵. گونه‌شناسی سفال سلادن گونه لانگ چوآن مکشوف از دشت سیرجان (نگارندگان، ۱۳۹۹).


شماره قطعه	طرح و عکس سفال	گروه و گونه سفالی	محوطه	محوطه‌های قابل مقایسه	مآخذ
۲۱		LQC.2: 20	قلعه سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 298, Pl. 191 Zhang, 2018: Pl. 12
۲۲		LQC.3: 1	قلعه سنگ	جنوب ایران ماهروبان رأس الخیمه عسکر مکرم	Priestman, 2005: 298 اسماعیلی جلودار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹ Kennet, 2004: 145, type 107 عطایی، ۱۳۹۵: لوح ۳۱-۵
۲۳		LQC.3: 1	قلعه سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 298
۲۴		LQC.3: 02	قلعه سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: Pl. 192, 297
۲۵		LQC.3: 0 3	قلعه سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 298
۲۶		LQC.3: 4	باغ نمید	جنوب ایران	Priestman, 2005: 298
۲۷		LQC.3: 05	باغ نمید	جنوب ایران	Priestman, 2005: 298, Pl. 194
۲۸		LQC.3: 0 7	قلعه سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 299, Pl. 196
۲۹		LQC.1: 03	قلعه سنگ	جنوب ایران گمرک خانه یا نای بند عسکر مکرم	Priestman, 2005: 296 اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۹: ۳۴۱ عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۳۱-۷ Morgan, 1991: 73

۴- گونه مارتابان: مارتابان به کوزه‌های ذخیره آذوقه با خمیره سنگی که

به شکل تخم مرغی است، اطلاق می‌گردد. این نوع سلادن دارای لعابی به رنگ سبز زیتونی، قهوه‌ای یا سیاه است که در دوران تانگ یا سونگ، در جنوب چین و در کوره‌های استان گوانگ‌دونگ تولید می‌شد (Valenstein, 1978: 204). صادرات مارتابان از سده ۸ ه.ق. به ایران آغاز و تا سده ۱۱ ه.ق. تداوم یافت (Priestman, 2013: 649). در محوطه‌های جنوب ایران دو گونه (MRT1 و MRT2) شناسایی شده است. این گونه‌ها شامل خمره‌های کروی با لبه گرد، گردن کوتاه، بدنه

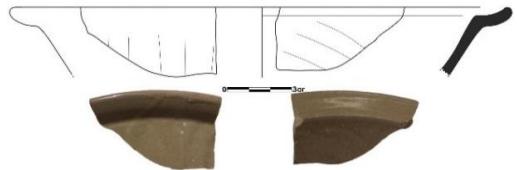

کروی و کف مقعریا مسطح هستند که فقط سطح بیرونی با لعاب سیاه پوشانده شده و از خمیره خاکستری روشن و آمیزه شن سیاه برخوردارند (Priestman, 2013: 648). درمیان سلادن‌های دشت سیرجان قطعه‌ای از باغبمید (جدول ۶: شماره ۱) وجود دارد که به‌واسطه خمیره متراکم و لعاب سیاه براق به گونه دوم مارتابان و سده هشتم هجری قمری تعلق دارد. این بدنه دارای خمیره سنگی خاکستری، آمیزه شن سیاه، لعاب بیرونی سیاه‌رنگ براق و لعاب داخلی سبز زیتونی کم‌رنگ است. مارتابان از مجموعه ویلیامسون (Ibid)، هرموز (Morgan, 1991: 70)، شهر حریره کیش (موسوی، ۱۳۷۶: ۲۲۳) گزارش شده است.

جدول ۶. گونه‌شناسی سفال سلادن گونه مارتابان مکشوف از محوطه باغبمید (نگارندگان، ۱۳۹۹). ▼

شماره قطعه	تصویر و طرح سفال	گروه و گونه سفالی	محوطه کشف	محوطه‌های مورد مقایسه	مآخذ
۱		MTB.2	باغبمید	جنوب ایران	Priestman, 2005: 305 Pl. 137

۵- گونه گوانگ‌دونگ: این گونه بین قرون ۸ تا ۹ ه.ق. در ایالت گوانگ‌دونگ در جنوب چین تولید می‌شد و دارای خمیره سنگی به‌رنگ زرد با بافتی ظریف، لعابی براق به رنگ سبز زیتونی و حداقل ترک خوردگی است. سلادن فوق به چهار گروه تقسیم می‌شود که تفاوت آن‌ها در نوع لبه و یا تزئینات محدود آن‌هاست (Priestman, 2005: 305). این نوع سلادن هم‌زمان با لانگ‌چوان به ایران راه‌یافت و نمونه‌هایی از آن توسط ویلیامسون در محوطه‌های جنوب ایران کشف شد (Priestman, 2013: 666). گوانگ‌دونگ نسبت به لانگ‌چوان دارای لعاب تیره‌تری است. ویژگی‌های دو قطعه لبه و بدنه از قلعه‌سنگ و باغبمید با ویژگی‌های این گونه مطابقت دارند (جدول ۷: شماره ۱-۲). خمیره آن‌ها از نوع خمیره سنگی متراکم، ظریف و زردرنگی است که لعابی یک‌دست به‌رنگ زیتونی دو سطح آن‌را پوشانده است. قطعه اول به گروه دوم گوانگ‌دونگ تعلق دارد؛ بدنه‌ای با خمیره زرد، لعاب زیتونی شفاف شیشه‌ای و یک‌دستی است که کمابیش ترک‌های درشت دارد (جدول ۷: شماره ۲). در قطعه دوم (گروه دوم گوانگ‌دونگ) که دارای لبه‌ای به بیرون برگشته از نوع ناودانی و بدنه‌ای محدب است، سطوح داخلی و خارجی بدنه دارای تزئیناتی شامل خطوط موازی عمودی در سطح خارجی و خطوط موازی مورب در سطح داخلی است. فرم این ظرف به بشقاب‌های لانگ‌چوان شباهت دارد، و تفاوت آن‌ها خمیره زردرنگ و لعاب تیره گوانگ‌دونگ است و با فرم سلادن‌های دشت میناب (Morgan, 1991: 74) و ماهروبان (اسماعیلی جلودار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۰) سلادن‌های فوق به سده‌های ۸ و ۹ ه.ق. قابل تاریخ‌گذاری هستند.

جدول ۷. گونه‌شناسی سفال سلادن گوانگ دونگ (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شمارهٔ قطعه	تصویر و طرح سفال	گروه و گونهٔ سفالی	محوطهٔ کشف	محوطهٔ مورد مقایسه	مآخذ
۱		GDC.3	باغبمید	جنوب ایران دشت میناب ماهرویان	Priestman, 2005: 299, pl. 200 Morgan, 1991: 74 همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹ اسماعیلی و
۲		GDC.2	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 299, pl. 199

۶- گونهٔ جینگ‌دژن (Jingdezhen): این گونه دارای خمیرهٔ پورسیلین سفید

رنگ بسیار مرغوب، پوشش لعاب سفید یا روشن و با ضخامت کم در سطح بیرونی و لعاب سبز رنگ ظریف در سطح داخلی است. ظروف این گونه دارای بدنه با ضخامت متوسط و تزئینات کنده در داخل ظرف اجرا شده است. خواستگاه آن منطقهٔ جینگ‌دژن در شرق چین و زمان ساخت آن سده‌های ۹ و ۱۰ ه.ق. است (Priestman, 2005: 300). سه قطعه سفال از باغبمید (دو قطعه کف) و قلعه‌سنگ (یک قطعه بدنه)، به لحاظ رنگ و جنس خمیره، لعاب نازک، رنگ لعاب سطح داخلی و خارجی با ویژگی گونهٔ فوق مطابقت دارند (جدول ۸: شماره ۱-۲) و از لحاظ گاهنگاری به سده‌های ۹ و ۱۰ ه.ق. قابل تاریخ‌گذاری هستند.

جدول ۸. گونه‌شناسی سفال سلادن گونهٔ جینگ‌دژن مکشوف از دشت سیرجان (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شمارهٔ قطعه	تصویر و طرح سفال	گروه و گونهٔ سفالی	محوطهٔ کشف	محوطهٔ مورد مقایسه	مآخذ
۱		چینگ‌دژن	باغبمید	جنوب ایران	Priestman, 2005: 300
۲		چینگ‌دژن	قلعه‌سنگ	جنوب ایران	Priestman, 2005: 300

مقایسه و تحلیل

(۱) گاهنگاری: یکی از اهداف مهم این پژوهش، گاهنگاری سلادن‌های به دست آمده از دشت سیرجان است که با توجه به مطالعات و مقایسه‌های صورت‌گرفته،

مشخص شد که اولین گونه سفال وارد شده به دشت سیرجان گونه سلادن یوئه بوده که به بازه زمانی قرون ۳ و ۴ ه.ق. مربوط می‌شود که از شهر قدیم سیرجان و باغ بمید، ۱۰ قطعه از آن به‌دست آمده است و نشان‌دهنده این است که سفال گونه یوئه که هم‌زمان از قرن سوم هجری قمری به سیراف و خلیج فارس وارد شده است، در دشت سیرجان هم گسترش یافته است. هم‌زمان با سفال یوئه و یا کمی بعد از آن وجود سفال گونه دوسون را در این دشت داریم که دو قطعه در شهر قدیم- سیرجان که در این زمان کرسی ایالت کرمان بوده، به‌دست آمده است که مربوط به بازه زمانی قرون ۳ تا ۵ ه.ق. می‌شوند؛ اما هم‌زمان با دوره ایلخانی با گسترش گونه جدید به نام سفال گونه لانگ‌چوان مواجه هستیم که از این گونه سفالی به تعداد زیاد به خصوص از محوطه قلعه سنگ به‌دست آمد که مربوط به بازه زمانی قرون ۷ تا ۹ ه.ق. می‌شوند. به ترتیب گونه‌های مارتابان قرن ۸ ه.ق.، گوانگ‌دونگ قرون ۸ و ۹ ه.ق. و جینگ‌دژن مربوط به قرون ۹ و ۱۰ ه.ق. سفال‌های هستند که بعد از ورود یا هم‌زمان با گونه لانگ‌چوان در دشت سیرجان شناسایی شده‌اند و این گاهنگاری‌ها نشان‌دهنده حضور سلادن‌های چینی از قرون ۳ تا ۱۰ ه.ق. در دشت سیرجان است که خود نشان‌دهنده مبادلات تجاری و فرهنگی چین با مناطق جنوبی ایران به خصوص دشت سیرجان طی قرن‌های متمادی بوده است.

۲) نوع قطعات: سلادن‌های مورد مطالعه از نظر نوع قطعه به چهار گروه تقسیم‌بندی می‌شوند؛ گروه اول، کف ظروف را دربر می‌گیرد که در همه گونه‌ها از نوع کف‌های حلقوی با پایه کوتاه هستند که سطح آن‌ها مسطح و برخی مقعر می‌باشند (جدول ۹). کف حلقوی برخی از ظروف گونه لانگ‌چوان، فاقد لعاب بوده و با خمیره‌ای قرمز رنگ مواجه‌ایم. به این سلادن‌ها ظروف با کف حلقوی قرمز اطلاق می‌گردد (Pope, 1956: 153). کاسه‌هایی با پایه حلقوی بدون لعاب از فرم‌های شاخص سده‌های ۷ و ۸ ه.ق. است که از هر موز قدیم و کیش نیز کشف شده و عموماً بر کف داخلی ظرف، نقوش گیاهی در زیر لعاب کنده شده است (Morgan, 1991: 71). لبه با ۶۲/۸ درصد بیشترین تعداد قطعات را به خود اختصاص داده و به چندین دسته قابل تقسیم‌بندی است که عبارتند از: ۱- لبه دال‌بری در کاسه‌های

► جدول ۹. جدول آماری قطعات به‌دست آمده از سلادن‌های وارداتی دشت سیرجان براساس تفکیک گونه‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۹).

ردیف	نوع گونه سفالی	لبه	بدنه	کف	دسته	تعداد کل
۱	یوئه	۲	۴	۴	-	۱۰
۲	دوسون	-	۱	-	۱	۲
۳	لانگ‌چوان	۵۵	۱۸	۱۵	-	۸۸
۴	مارتابان		۱			۱
۵	گوانگ‌دونگ	۱	۱	-	-	۲
۶	جینگ‌دژن	-	۱	۲	-	۳
	جمع کل					۱۰۶

گونه لانگ چوان (در قلعه سنگ) دیده می‌شوند (جدول ۲: شماره ۱) و با سلاذن‌های مجموعه ویلیامسون (Priestman, 2005: 415, Pl. 185)، هرموز قدیم (Morgan, 1991: 73) و جلفار (Hansman, 1985: 37, Fig. 7) قابل مقایسه است. ۲- لبه به خارج برگشته. ۳- لبه ناودانی یا لبه افقی برگشته به بالا که شاخص بشقاب و کاسه‌های گونه لانگ چوان بوده و با محوطه‌های ماهروبان (اسماعیلی جلودار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹) میناب (Morgan, 1991: 75)، عسکرمرکم (عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۷-۳۱)، گمرگ‌خانه یا نای بند ۲ (اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۹: ۳۴۹) و رأس‌الخیمه (Kenet, 2004: Fig. 18) قابل مقایسه است. ۴- لبه مورب گرد شده یا لبه ایستاده گرد شده که در یک قطعه خلط‌دان و کاسه‌های لانگ چوان دیده شده و با نمونه‌هایی از محوطه‌های جنوب ایران (Priestman, 2005: 414, Pl. 182)، ماهروبان (اسماعیلی جلودار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹، تصویر ۱)، میناب (Morgan, 1991: 73) و عسکرمرکم (عطایی، ۱۳۹۵: لوحه ۲-۳۶) قابل مقایسه‌اند. گروه سوم، شامل تعدادی بدنه کاسه و کوزه متعلق به گونه‌های یوئه، لانگ چوان، مارتابان، جینگ‌دژن و گوانگ‌دونگ است که یا ساده و یا با نقوش گیاهی و هندسی تزئین شده‌اند. یک قطعه دسته متعلق به گونه دوسون مشاهده گردید که با نمونه‌هایی از شهر کهن جیرفت (چوبک، ۱۳۸۳: ۳۴۴) و مجموعه ویلیامسون (Priestman, 2013: 705: Pl. 135) قابل مقایسه است.

۳) فرم ظرف: قطعات سلاذن مورد مطالعه به ظروفی هم‌چون: کاسه، بشقاب، خمره ذخیره آذوقه (گونه مارتابان و دوسون) و ظروف مینیاتوری تعلق دارند. کاسه‌ها دارای تنوع هستند و می‌توان کاسه‌هایی با بدنه محدب، پایه کوتاه، لبه ساده یا گرد است که سطح بیرونی یا کف آن‌ها با استفاده از تکنیک کنده زیرلعاب با نقوش هندسی یا برگ‌لوتوس تزئین شده است. کاسه‌ها و بشقاب‌هایی با لبه ناودانی یا لبه افقی برگشته به بالا و بدنه ساده یا خیاره‌ای که دارای پایه‌های حلقوی کوتاه هستند، از دیگر فرم‌های شناسایی شده است؛ هم‌چنین کاسه کوچکی با بدنه شلجمی و لبه دال‌بری متعلق به گونه لانگ چوان نیز شناسایی شد که شبیه کاسه‌هایی از دشت میناب (Morgan, 1991: 73)، جلفار (Hansman, 1985: Fig. 7c) و مجموعه ویلیامسون (Priestman, 2005: 415, Pl. 185; Zhang et al., 2018: Fig. 4) است. بدنه شلجمی شکل این نوع کاسه با استفاده از شیوه قالبی شکل‌گرفته است؛ هم‌چنین می‌توان به کاسه‌ای با لبه به خارج برگشته و بدنه زاویه‌دار اشاره نمود که سطوح بیرونی و داخلی آن یا فقط سطح بیرونی آن با نقوش لوتوس و هندسی تزئین شده است. کاسه‌ها در گونه فرم غالب ظروف را به خود اختصاص داده‌اند؛ درحالی‌که در گونه لانگ چوان فرم ظروف به ترتیب فراوانی شامل: کاسه، بشقاب، خمره‌های کوچک و ظروف مینیاتوری است. فرم شناسایی شده در گونه گوانگ‌دونگ بشقاب و در گونه جینگ‌دژن کاسه است.

۴) تزئینات: به لحاظ نوع تزئین سلاذن‌های سیرجان به دو گروه ساده و منقوش تقسیم می‌شوند. تقریباً نیمی از سلاذن‌ها (۴۸/۵٪) منقوش هستند و نقوش با ظرافت بر سطح بیرونی یا داخلی آن‌ها ایجاد شده است. به دلیل ایجاد

نقش نیز با سه گروه مواجه‌ایم: ۱- قطعاتی که نقش در سطح بیرونی آن‌ها ایجاد شده (۴۱/۱٪) و همانند سلادن‌های مهروبان (اسماعیلی جلودار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴) به نظر می‌رسد که سفالگر بیشتر علاقمند به طرح نقش در سطح خارجی ظرف داشته است. ۲- ظروفی که هر دو سطح بیرونی و سطح داخلی نقش دارند (۲۹/۲٪). ۳- گروهی که فقط در سطح داخلی دارای نقش هستند (۲۹/۲٪): بنابراین، سفالگر هیچ محدودیتی برای ایجاد نقش نداشته است. هم‌چنین در چند نمونه، سفالگر لبهٔ ظرف را برای طرح‌اندازی انتخاب کرده است. گونهٔ لانگ‌چوآن قریب ۹۰٪ سفال‌های منقوش را به خود اختصاص داده‌اند. نقوش تزئینی به‌کار گرفته شده با استفاده از تکنیک قالبی و تکنیک کندهٔ زیرلعاب ایجاد شده‌اند. مطالعات آماری نشان می‌دهد که ۷۶/۴٪ سلادن‌ها با بهره‌مندی از تکنیک کندهٔ زیرلعاب دارای نقش شده‌اند. نقش مایه‌های مورد مشاهده نیز به سه دستهٔ هندسی، گیاهی و حیوانی تقسیم می‌شوند. خطوط مورب که به موازات هم ایجاد شده و ردیف مثلث ایجاد شده در کف ظرف از جمله نقش‌مایه‌های هندسی است؛ هم‌چنین کاسه‌هایی با تزئین خیاره‌ای در گونهٔ لانگ‌چوآن بسیار متداول بوده (Meldley, 1974: 72) که در مجموعهٔ فوق نیز مشاهده گردید (جدول ۲: شمارهٔ ۸، جدول ۳: شمارهٔ ۱۰). این نقش هم در بیرون و هم در داخل کاسه‌ها ایجاد شده و با نمونه‌هایی از ماهروبان (اسماعیلی جلودار و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹)، سیراف (Morgan, 1991: 75)، جلفار (Zhang, 2018: Fig. 4;) و مجموعهٔ ویلیامسون (Hansman, 1985: 37, Fig. 7.c) قابل مقایسه است. Priestman, 2005: 415, Pl. 185 نقش کندهٔ هندسی در یک ردیف تقریباً دایره‌ای شکل از جمله نقوش رایج گونهٔ یوئه است که در کف کاسه‌ها ایجاد می‌شده که با نمونه‌های بندر بتانه (نجیرم)، (توفیق‌یان، ۱۳۹۳: ۱۰۶، طرح ۱)، بندر شامای یمن (Zhao, 2004: 269, Fig. 1-2)، سیراف (Whitehouse, 1971: 64, Pl. VIIId; Tampeo, 1989: 64) و مجموعهٔ ویلیامسون (Priestman, 2013: 708, Pl. 158) قابل مقایسه است؛ هم‌چنین نقش کندهٔ هندسی متشکل از خطوط باریک مورب، منحنی یا موازی در سطح بیرونی و داخلی ظروف وجود دارد که به نظر می‌رسد برخی از خطوط مورب که فقط بخش کوچکی از یک نقش اصلی را تشکیل می‌دهد، بخشی از برگ‌های نقش آشنای لوتوس بر روی سلادن‌ها است (جدول ۲: شمارهٔ ۱-۲). لوتوس از جمله نقوش رایج بر روی سلادن است که به اعتقاد چین پس از پیروزی بودائیسیم در سلسلهٔ نان‌پی چائو (۴۲۰-۵۸۹ م.)، بدنهٔ سلادن‌ها با آن تزئین گردید (Chen, 2000: 5). در میان مجموعهٔ مورد مطالعه نقوش جانوری مشاهده نشد. این در حالی است که «سهرابی‌نیا» و «تقوی» نقش ماهی را در قطعهٔ سلادنی از سیرجان گزارش کرده‌اند (سهرابی‌نیا و تقوی، ۱۳۹۸: ۱۵۴). نقش ماهی از جمله نقوش رایجی است که در دورهٔ ایلخانی با روش قالبی در سطح داخلی بشقاب‌ها و سینی‌های گونهٔ لانگ‌چوآن ایجاد می‌شد (Meldley, 1974: 97).

۵) سلادن‌های وارداتی یا تولید در محل: مطالعهٔ صورت‌گرفته بر روی مجموعهٔ سلادن‌های به‌دست آمده از دشت سیرجان نشان داد که از میان ۱۰۸ قطعه سفال، فقط دو قطعه تولید محلی است که از سطح محوطهٔ باغبمید به‌دست آمده و متعلق

به دوره صفوی است. شواهدی از قبیل پخت ناکافی و کیفیت نه چندان مناسب دال‌بر تولید محلی این سفال‌ها است. غیر از این دو قطعه یاد شده، سلاذن‌های دیگر وارداتی بوده و ویژگی‌ها فنی اعم از خاک مورداستفاده، کیفیت ساخت و پخت، ظرافت، فرم و تزئینات با سلاذن‌های ساخت چین کاملاً مطابقت دارد.

۶) راه‌های ارتباطی و تجاری سیرجان در دوران اسلامی: سیرجان، یکی

از شهرهایی است که با قرارگیری بر سر راه‌های تجاری و داشتن موقعیت سوق‌الجیشی مناسب از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز نقش مهمی در توسعه و گسترش مبادلات فرهنگی و تجاری با نقاط همجوار و بین‌المللی داشته است. در نقشه‌های جغرافی‌دانان قرون اولیه اسلامی همانند: «ابن حوقل»، «اصطخری» و «جیهانی سیرجان» به عنوان مرکز ایالت کرمان در تقاطع دو مسیر شمالی-جنوبی و شرقی-غربی واقع شده است (۱۳۶۶: ۷۲؛ ۱۳۶۸: ۶۸؛ ۱۳۶۸: ۲۵۱) و در این دوره از طریق چند مسیر با ایالت فارس، سیستان و کرانه‌های خلیج فارس مانند سیراف و هرمز در ارتباط بوده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۰-۴۱؛ مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۹۷-۶۹۸؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۹؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۲-۱۶۳؛ ادریسی، ۱۳۸۸: ۴۷) و این راه‌ها به شاخه‌هایی از راه ابریشم خشکی و دریایی می‌پیوسته است که نشان‌دهنده ارتباط سیرجان با مناطق مهمی هم‌چون: سیستان، خراسان، هندوستان، قندهار و چین بوده است.

راه‌های سیرجان بعد از این که مرکز ایالت به بردسیر منتقل شد، باز هم اهمیت خود را حفظ کرد و بندر هرمز از سده‌های ۵ تا ۸ ه.ق. به عنوان بندرگاه و قطب تجاری کرمان و سیستان مطرح بوده و یکی از مهم‌ترین بنادر تجاری خلیج فارس به حساب می‌آمده (لسترنج، ۱۳۸۶: ۳۴۱) که کالاها به این بندر وارد و سپس به مناطق و شهرهای پس‌کرانه‌ای خلیج فارس فرستاده می‌شده است. در سده ۷ ه.ق. با پس‌گرفتن سیرجان توسط «قراختاییان» از دست «شبانکارگان» فارس، این شهر دوباره اهمیت یافت و نقش مهمی در اقتصاد دریایی خلیج فارس ایفا نمود (باستانی‌پاریزی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). با تدابیر پادشاه خاتون قراختایی در ارتباط مناسب با ایلخانان، ایالت کرمان و به تبع آن شهرهایی مثل سیرجان در زمان او از لحاظ اقتصادی و روابط تجاری رونق گرفتند؛ به طوری که «منشی کرمانی» می‌نویسد در زمان او «راه کرمان را شاهراه جهان ساخت» (منشی کرمانی، ۱۳۹۴: ۷۱). در مجموع با اقدامات قراختاییان در کرمان و امنیت راه‌ها و رونق گرفتن تجارت در هرمز، شهرهای پس‌کرانه‌ای هم‌چون سیرجان نیز به لحاظ تجاری اهمیت شایانی پیدا کرد. بعد از قراختاییان، کرمان به دست حاکمان «آل مظفر» افتاد که در این دوره حفظ راه‌های تجاری اهمیت خاصی داشته است. از راه‌های معروف تجاری این دوره، راهی بود که از طریق جیرفت به منوجان و سپس هرمز می‌رسید و به سیرجان، بم، زرنند و رفسنجان ختم می‌شد (محمدی، ۱۳۹۰: ۷۸). بعد از آن در دوره صفوی نیز راه‌های متعددی به نواحی داخلی ایران منشعب می‌شد که در این میان یکی از سه مسیر اصلی راه بندرعباس-سیرجان-کرمان بوده است (وثوقی، ۱۳۸۰: ۲۲۹). کاروان‌های این مسیر بعد از بازگیری در بندرعباس از طریق مسیر گهره، علی‌آباد و

حاجی‌آباد با گذشتن از آبادی‌ها سر راه به سیرجان می‌رسیدند. از سیرجان راهی به سمت کرمان و راهی از طریق پاریز و رفسنجان به یزد می‌رفت (باستانی‌پاریزی، ۱۳۷۷: ۱۱). در نتیجه، موقعیت شهر سیرجان در مبادلات تجاری و فرهنگی در طول سده‌های مختلف اسلامی و قرار داشتن در مسیر راه‌های اصلی شمالی-جنوبی و شرقی-غربی اهمیت زیادی داشته و وجود سلاذن‌های چینی در دشت سیرجان نشان‌دهنده گسترده‌گی همین مبادلات تجاری و فرهنگی است.

نتیجه‌گیری

بدون شک، سفال یکی از داده‌های ارزشمند باستان‌شناسی است که در شناخت تبادلات اقتصادی و روابط تجاری منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نقش ارزنده‌ای دارد. یکی از گونه‌های مهم سفالی که طی سده‌های طولانی به‌عنوان کالای صادراتی از چین به دیگر کشورها از جمله ایران وارد می‌شده، سلاذن است که از سده ۳ ه.ق. به ایران وارد شده و از راه سواحل خلیج فارس و بنادری هم‌چون: سیراف، کیش و هرموز به مناطق دیگر راه یافته است. سلاذن در بررسی و کاوش‌های باستان‌شناختی صورت‌گرفته در تعدادی از محوطه‌های واقع در نقاط مختلف ایران کشف شده است. دشت سیرجان نیز از جمله این مناطق است که در بررسی باستان‌شناختی صورت‌گرفته در آن، تعدادی قطعه سلاذن از سه محوطه مهم آن به نام‌های شهر قدیم سیرجان، قلعه سنگ و باغبمید به‌دست آمده است. مطالعات صورت‌گرفته از تعلق این سلاذن‌ها به گونه‌های شاخص: یوئه، لانگ‌چوان، گوانگ‌دونگ، مارتابان، دوسون و جینگ‌دژن دارند. هرکدام از این گونه‌ها در دوره خاصی تولید و به ایران صادر شده‌اند؛ به طوری که با توجه به حضور سلاذن‌های گونه دوسون و یوئه در ایران طی سده‌های ۳ تا ۵ ه.ق. و مطابقت کامل سلاذن‌های متعلق به این دو گونه در دشت سیرجان با نمونه‌های شناخته شده از محوطه‌های باستانی در ایران به نظر می‌رسد که سابقه حضور سلاذن در این منطقه هم‌زمان با محوطه‌های مهمی هم‌چون سیراف به سده‌های ۳ تا ۵ ه.ق. می‌رسد؛ هم‌چنین سلاذن‌های گونه لانگ‌چوان، مارتابان و گوانگ‌دونگ نیز در فاصله بین سده‌های ۷ تا ۹ ه.ق. از طریق سواحل جنوبی خلیج فارس از چین به این منطقه وارد شده‌اند؛ این در حالی است که حضور سلاذن‌های گونه جینگ‌دژن بیانگر تداوم واردات این گونه سفال از سده ۹ ه.ق. تا دوره صفوی در دشت سیرجان است. هرچند نمی‌توان به دلیل فقدان اطلاعات، دلیل عدم حضور سلاذن در این منطقه طی سده‌های ۵ تا ۷ ه.ق. را بیان نمود؛ اما رونق درازمدت واردات این گونه سفال چینی به سیرجان و تمایل مصرف‌کننده به خرید، آن را از سده‌های اولیه اسلامی تا پایان دوره صفوی را می‌توان مشاهده نمود. ذکر این نکته ضروری است که مجموعه مورد مطالعه صرفاً از بررسی سطحی به‌دست آمده و نمی‌توان نتیجه حاصل از آن را بدون انجام کاوش‌های گسترده به‌طور قطع و یقین پذیرفت؛ هم‌چنین تنوع گونه‌های مختلف سلاذن در این منطقه نسبت به بسیاری از محوطه‌ها دوران اسلامی در ایران جالب توجه است. در مطالعات صورت‌گرفته بر روی سلاذن‌های مکشوف از محوطه‌های مختلف

ایران، مطالعات گونه‌شناسی کمتر صورت گرفته و غیر از پریستمن که به طور دقیق به گونه‌شناسی سلادن‌های مجموعه ویلیامسون با تأکید بر محوطه سیراف اقدام کرده، چندان مطالعه گونه‌شناسی دقیقی در سایر محوطه‌ها صورت نگرفته است. سلادن‌های مورد مطالعه به لحاظ فرم، تزئینات و ویژگی‌های فنی با سلادن‌های به دست آمده از محوطه‌های سیراف، مهروبان، حریره کیش، منطقه هرموز قدیم، شهر کهن جیرفت، بافت تاریخی یزد، اردشیرخوره، بندر بتانه، عسکر مکرّم، مجموعه ویلیامسون و... در ایران و محوطه‌های جلفار، شارما و رأس الخیمه در خارج از ایران قابل مقایسه هستند. تقریباً ۹۹٪ سلادن‌های دشت سیرجان وارداتی هستند و فقط دو قطعه سلادن از ۱۰۸ قطعه به دست آمده از بررسی سطحی این دشت متعلق به دوره صفوی که از محوطه باغ‌بمید به دست آمده‌اند که شواهدی از قبیل پخت ناکافی و کیفیت نه چندان مناسب دال‌بر تولید محلی دارند. از آنجایی که یافته‌های باستان‌شناختی در این دوره از تولید سلادن در کرمان که فاصله زیادی نیز با سیرجان ندارد، خبر می‌دهند به احتمال می‌توان این قطعات را تولید کرمان دانست.

استمرار واردات سلادن به دشت سیرجان به صورت کمابیش مداوم از اهمیت اقتصادی و تجاری این شهر در دوران مختلف اسلامی خبر می‌دهد؛ در واقع می‌توان با جرأت گفت که این تداوم و استمرار در محوطه‌های انگشت‌شماری از ایران قابل درک است. این منطقه در دوران اسلامی، چهارراه ارتباطی برای تجارت بین شرق و غرب از راه زمین و دریا بوده که در متون اسلامی به آن اشاره شده است. افزون بر آن، وجود سفالینه‌های وارداتی چینی، از جمله: چینی آبی سفید، آبی سفید سامرا و سلادن، طی بررسی باستان‌شناختی از محوطه‌های سیرجان بیانگر حضور این منطقه در شبکه تجاری بین‌المللی در دوران مختلف اسلامی است. وجود گونه‌های متنوع سلادن با گاهنگاری متنوع نیز نشان از رابطه تجاری این منطقه به صورت مستقیم با سواحل خلیج فارس، از جمله مراکز تجاری مهمی هم چون: هرموز، سیراف و کیش و تجارت غیرمستقیم گسترده این منطقه با بزرگ‌ترین تمدن آن سوی دریاها، یعنی «چین» بوده است.

سپاسگزاری

نگارندگان از آقایان گوان وانگ، ران ژانگ و خانم بین بین چن برای خواندن مقاله و ارائه نظرات و پیشنهادهایشان نهایت سپاسگزاری را دارند.

پی‌نوشت

۱. طرح بررسی «شهر سیرجان در دوران اسلامی و راه‌های ارتباطی آن» طی بهار سال ۱۳۹۷ با شماره مجوز ۹۶۲۱۴۱/۰۰/۴۶۸۹ به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ پژوهشگاه میراث فرهنگی و حمایت‌های مالی و معنوی شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر سیرجان به اجرا درآمده است. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از پژوهشکده باستان‌شناسی و حمایت‌های همه‌جانبه و بی‌دریغ شرکت صنعتی و معدنی گل‌گهر و مسئولان آن برای تأمین مالی و اسکان اعضای هیأت، خصوصاً مدیریت پشتیبانی وقت جناب آقای دکتر محمد حاتمی نهایت تشکر و سپاسگزاری را داشته باشند.

کتابنامه

- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۱، مسالک و الممالک. ترجمه سعید خاکرند، تهران: انتشارات تاریخی میراث ملل.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل، ۱۳۶۶، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورۃ الارض). ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل، ۱۳۸۹، «ارتباط تجاری بنادر باستانی شمالی و جنوبی خلیج فارس در دوره اسلامی تا قرن ۵ هجری (براساس بررسی‌ها و کاوش‌های سواحل مرکزی بخش شمالی خلیج فارس)». رساله دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- اسماعیلی جلودار، محمداسماعیل؛ زهبری، زهره؛ و توفیقیان، حسین، ۱۳۹۰، «بازرگانی دریایی بندر ماهروبان خلیج فارس با بنادر چین در دوران اسلامی برپایه گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سفال‌های سلادن به‌دست آمده از کاوش و بررسی باستان‌شناختی آن». مجموعه مقالات همایش ملی هنر اسلامی دانشگاه بیرجند، بیرجند: دانشگاه بیرجند، صص: ۱-۱۹.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالک و الممالک، به‌اهتمام: ایرج افشار، چاپ سوم با الحاقات جدید، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ادریسی، محمد بن محمد، ۱۳۸۸، ایران در کتاب نزهة المشتاق فی الاختراق و الافاق. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- افضلی، زینب، ۱۳۹۸، «سیر تحولات فضایی شهر سیرجان در دوران اسلامی». رساله دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- افضلی، زینب؛ و ابراهیمی‌ایده‌لو، علیرضا، ۱۳۹۸، «گزارش بررسی تحولات دشت سیرجان در دوران اسلامی و راه‌های ارتباطی آن». هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی، تهران: وزارت میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، صص: ۱۲۶-۱۳۳.
- امامی، سید محمدامین؛ خنجری، رضا؛ و تقوی، سوگند، ۱۳۹۸، «ساختارشناسی و مینرالوژی سفال سلادن به‌دست آمده از بندر تاریخی حریره در جزیره کیش؛ ردپایی بر تجارت دریایی از چین تا خلیج فارس». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص: ۱-۱۷.
- امیرحاجلو، سعید؛ و صدیقیان، حسین، ۱۳۹۵، «کاوش قلعه‌سنگ شهر کهن سیرجان، استان کرمان». در: گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (۵ تا ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۵)، به‌کوشش: حمیده چوبک، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، صص: ۱۶-۲۲.
- بارتولد، و.، ۱۳۷۲، تذکره جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور، تهران: انتشارات توس.
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۷۷، هشت الفت. بی‌جا، چاپ آزرش.
- توفیقیان، حسین، ۱۳۹۳، بنادر تاریخی خلیج فارس در دوران ساسانی و صدر اسلام با تکیه بر مطالعات باستان‌شناسی و باستان‌شناسی زیرآب. تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری.

- چوبک، حمیده، ۱۳۸۳، «تسلسل فرهنگی جازموران - شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی». رساله دکترای باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- چوبک، حمیده، ۱۳۹۱، «سفالینه‌های اسلامی، شهر کهن جیرفت». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۱ صص: ۸۳-۱۱۲.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، ۱۳۶۳، اشکال العالم. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه فیروز منصوری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۴، «بررسی تحلیلی باستان‌شناسی سیرجان قدیم از اوایل اسلام تا دوره تیموری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۶، «مساجد گمشده در سیرجان قدیم». در: مجموعه مقالات اولین همایش معماری مسجد، گذشته، حال و آینده، جلد اول، تهران: دانشگاه هنر، صص: ۷۳-۸۰.
- حاتمی، ابوالقاسم، ۱۳۸۰، سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- سهرابی‌نیا، احمد؛ و تقوی، عابد، ۱۳۹۸، «شهر قدیم سیرجان در قرون ۸-۷ ه.ق. به استناد قراین تاریخی و یافته‌های سفالی». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص: ۱۶۹-۱۵۳.
- عطایی، مرتضی، ۱۳۹۵، «بررسی روشمند باستان‌شناختی شهر تاریخی عسکر مکرم - خوزستان». رساله دکترای باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- فیضی، مهسا، ۱۳۹۱، «بررسی سفالینه‌های سلادون». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- فیضی، مهسا؛ و مهجور، فیروز، ۱۳۹۳، «ورود نخستین سلادون‌های گونه یوئه به ایران و الگوی پراکنش آن در مناطق ساحلی و داخلی ایران در قرون اولیه اسلامی». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۱۴۸-۱۳۱.
- کاظم‌نژاداصل، ابراهیم، ۱۳۸۸، «بررسی صنعت سفالگری شهر یزد در دوره اسلامی براساس داده‌های حاصل از باستان‌شناسی شهر یزد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (منتشر نشده).
- کریمیان، حسن؛ پوراحمد، احمد؛ و افضل، زینب، ۱۳۹۸، «سیر تحولات فضایی شهر سیرجان در دوران اسلامی با اتکاء به شواهد باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی». شهرهای ایرانی و اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص: ۵۳-۶۹.
- کریمیان، حسن؛ و منتظرظهوری، مجید، ۱۳۹۸، اردشیرخوره نخستین پایتخت ساسانیان. تهران: جهاد دانشگاهی.
- کریمی، فاطمه؛ و کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۴، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- گیبونز، ریچارد، ۱۳۹۵، سفرنامه ریچارد گیبونز: سرکوب شاهزادگان و خوانین یاغی. مترجم: امید شریفی، تهران: انتشارات ایران‌شناسی.

- لسترنج، گای، ۱۳۸۶، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی. ترجمه محمود عرفان، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی، محمد، ۱۳۹۰، «ولایت کرمان در دوره آل مظفر (۷۹۵-۷۴۱ ه.ق.)». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تاریخ اسلام، اساتید راهنما مسعود مرادی و محمدرضا فراهانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (منشر نشده).
- مقدسی، ابو عبدالله بن بشاری، ۱۳۸۵، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی، تهران: کومش.
- منشی کرمانی، ناصرالدین، ۱۳۹۴، سمط العلی للحضرة العلیا (تاریخ قراختائیان کرمان). تصحیح و پژوهش: مریم میرشمسی، تهران: انتشارات محمود افشار با همکاری نشر سخن.
- موسوی، محمود، ۱۳۷۶، «کاوش باستان‌شناسی در شهر تاریخی حریره، جزیره کیش». گزارش‌های باستان‌شناسی (۱)، سازمان میراث فرهنگی، صص: ۲۲۱-۲۳۵.
- ناصری تهرانی، محبوبه، ۱۳۹۵، «بررسی باستان‌شناسی در محدوده طرح خط لوله بندرعباس - سیرجان - رفسنجان (حوزه کرمان)». گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (۵ تا ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۵)، به‌کوشش: حمیده چوبک، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۷۱۱-۷۰۷.
- وثوقی، محمدباقر، ۱۳۸۰، تاریخ مهاجرت اقوام در خلیج فارس، ملوک هرمز. تهران: دانشنامه فارس.
- ویلیامسون، اندریو، ۱۳۵۱، «تجارت خلیج فارس در دوره ساسانیان در قرن اول و دوم هجری». باستان‌شناسی و هنر ایران، دوره ۱۰-۹، صص: ۱۴۲-۱۵۶.

- Deng, Y., 2011, *Ancient Chinese Invention*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Fehervari, G., 1998, *Pottery of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum Kuwait*. Tareq Rajab Museum.
- Garner, H. M., 1959, "Chinese Celadon Wares". *The Burlington Magazine*, Vol. 101, Pp: 362.
- Grube, E. J., 1976, *Islamic Pottery of the Eighth to the Fifteenth Century in the Keir Collection*. Faber and Faber Limited.
- Kennet, D., 2004, *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al- Khaimh. Classification, Chronology and Analysis of Trade in the Western Indian Ocean*. Oxford, BAR Int. Ser. 1248.
- Hansman, J., (1985), *Julfār, an Arabian Port: Settlement and Far Eastern Ceramic Trade from the 14th to the 18th Centuries*. London: Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland.
- Lane, A., 1971, *Later Islamic Pottery: Persia, Syria, Egypt, Turkey*. London, Faber and Faber.
- Li, Z. Y., 2010, "Ceramics of the Sui, Tang, and five dynasties". In: Z. Y. Li, V.L. Bower, and L. He (eds.), *Chinese ceramics. From the Paleolithic Period through the Qing dynasty*, New Haven/London: Yale University, Pp: 196-263.

- Medley, M., 1974, "Yuan Porcelain and Stoneware". *Faber and Faber*, Pp: 63-102.
- Milwright, M., 2010, *An Introduction to Islamic Archaeology*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Morgan, P., 1991, "New Thought on Old Hormuz: Chinese Ceramics in the Hormuz Region in the Thirteenth and Fourteenth Century". *Iran*, Vol. 5, Pp: 23-174.
- Morgan, P. & Leatherby, J., 1987. "Excavated Ceramics from Sirjan". In: J. Allan and C. Roberts (eds.), *Syria and Iran: Three Studies in Medieval Ceramics*, Oxford University Press, Pp: 23-174.
- Pope, J. A., 1956, *Chinese Porcelain from the Ardbil Shrine, Freer Gallery of Art*. Washington
- Priestman, S. M. N., 2005, "Settlement & Ceramics in Southern Iran: An Analysis of the Sasanian & Islamic Periods in the Williamson Collection". M. A. Thesis: Durham University (Unpublished).
- Priestman, S. M. N., 2013, "A Quantitative Archaeological Analysis of Ceramic Exchange in the Persian Gulf and Western Indian Ocean, AD c.400 – 1275". PhD Thesis, University of Southampton (Unpublished).
- Tampeo, M., 1989, *Maritime Trade between China and West: An Archeological Study of the Ceramics from Siraf (Persian Gulf): to 12th Century A.D*, David Brown Book Company.
- Whitcomb, D., 1985, *Before the Rose and Nightingales, Excavation at Qasr- I Abu Nasr, Old Shiraz*. The Metropolitan Museum of Art, New York.
- Williamson, A. G., 1971, "Excavation at Sirjan". *Iran*, No. 9, Pp: 177.
- Williamson, A. G., 1972, "Sirjan-i-Khuna and Tepe Dasht-i-Deh. Excavation in Iran". *The British contribution. Organizing Committee of Collection, the VIth International Congress of Iranian Art and Archaeology*, Oxford, Pp: 26-28.
- Williamson, A., 1987, "Regional Distribution of Medieval Persian Pottery in the light of Recent Investigations". In: J. Allan and C. Roberts (eds.), *Syria and Iran: Three Studies in Medieval Ceramics*, Oxford University Press, Pp: 10-22.
- Valenstein, S. G., 1978, *A Handbook of Chinese Ceramics the Metropolitan Museum of Art*. New York.
- Zhang, R.; Kennet, D. & Priestman, S., 2011, "Longquan Ceramic of Archaeological Excavation in Near East- Introduction of Longquan Celadon about the Williamson Collection and the Siraf Material". In: *The Research of Longquan Kiln, Institute of Chinese Ceramics*, Beijing (ed.): The Forbidden City Press, [in Chinese].
- Zhang, R., 2018, "Chinese Ceramic Trade Withdrawal from the Indian Ocean: Archaeological Evidence from South Iran". *Journal of Multidisciplinary Studies in Archaeology*, No. 6, Pp: 73-92.
- Zhao, B., 2004, "L'Iopmrtation Dela Ceramique Chinoise a Sharma (Hadramaout) au Yemen". *Annales Islamologiques*, No. 38/1, Pp:255–284.